



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نقد و بررسی

اندیشه های محققان و مورخان

مذاهب اسلامی درباره

قیام امام حسین علیه السلام

هادی مروی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

هادی مروی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین
۶	مشخصات کتاب
۶	نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین
۲۰	درباره مرکز

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین

مشخصات کتاب

نویسنده: هادی مروی

ناشر: هادی مروی

نقد و بررسی اندیشه های محققان و مورخان مذاهب اسلامی درباره قیام امام حسین

الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على خاتم المرسلين حبيب اله العالمين ابالقاسم المصطفى محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطاهرين ثم السلام على المهدي الذي وعد الله عزوجل به الامم ان يجمع به الكلم ويلم به الشعث و يملأ به الارض قسطا و عدلا و يمكن له و ينجز به وعد المؤمنين. قال الله العظيم في كتابه الكريم: و جعلناهم ائمه يهدون بامرنا و او حينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلاه و ايتاء الزكوه و كانوا لنا عابدين. فرا رسيدن ميلاد سيدالشهدا حضرت ابا عبدالله سلام الله را، که به نام روز پاسدار نیز نامیده شده است، به محضر مقدس حضرت ولی عصر امام زمان ارواحنا له الفداء، مقام معظم رهبری و به حضور همه شما برادران بزرگوار و خواهران ارجمند تبرک و تهنیت عرض می کنم. بحثی را که برادران به اینجانب واگذار فرموده اند خیلی فشرده تقدیم حضورتان می کنم. موضوع درباره بررسی نهضت سیدالشهدا از دیدگاه مورخان اهل سنت است و من اجازه می خواهم بر این عنوان، یک کلمه ای را هم اضافه کنم و بگویم دیدگاه مورخان و محققان اهل سنت، چون بعضی از محققان اهل سنت، گرچه مورخ نیستند، نظریات تحقیقی بسیار جالبی ابراز داشته اند که دریغ می آید آنها را نقل نکنم. در آغاز، مقدمه کوتاهی را عرض می کنم. اصولا مورخان عامه به اعتبار ارتباط نزدیکی که بیشترشان با دربارهای ظلم و جور داشته اند در لابلای تواریخشان دفاع نامعقول از حکام جور پیدا است. این مورخان گاهی چیزهایی می گویند که با هیچ مبنایی از مبانی تاریخی جور در نمی آید؛ در رأس اینها ابن خلدون است. ابن خلدون

مورخی است که تاریخ را همراه با تحلیل و با فلسفه تاریخ نوشته و قبل از او کسی ظاهراً این کار را نکرده است. او در رشته های دیگر علمی بویژه در رشته به اصطلاح امروز جامعه شناسی نیز اطلاعاتی داشته است. کتاب مقدمه ابن خلدون مقدمه ای بر تاریخ معروفش به نام العبر است. این مقدمه به زبانهای مختلف دنیا ترجمه شده و از اهمیت خاصی برخوردار است. با این همه این شخصیت به خاطر تأیید زیادی که از حکومت فاطمیان در مصر می کرد عجیب حالت دفاعی از خلفای جور گرفته به این دلیل که خلفای جور، علویین را می کشتند، فرزندان حضرت زهرا (س) را می کشتند، یک دفاعی کرده از هارون که نمی خواهم وارد این قضایا بشوم ولی این کلمه را ناچار بگویم، هارونی که خود مورخان دیگر اهل سنت دادشان از دست او در آمده، جلال الدین سیوطی، این نابغه دنیای عامه، مورخ، ادیب، محدث، مفسر، کتابی دارد به نام تاریخ الخلفاء؛ در آنجا می گوید: «هارون الرشید بعد از مرگ پدرش تصمیم گرفت با نامادریش ازدواج کند. به همین جهت از عالم وقت، ابویوسف، اجازه خواست. او گفت ای خلیفه این صریح قرآن است که حرام است، «ولا تنكحوا ما نکح آبائکم» حق ندارید با زن پدرتان یا منکوحه پدرتان ازدواج کنید؛ این صریح قرآن است، نکند این کار را بکنید. گفت: من می دانم اما به تو پناه آوردم فتوا بر جواز این کار را می خواهم. او وقتی پی برد که هارون بر این قضیه مصر است، برای هارون به تنهایی فتوای جواز داد؛ یعنی خلاف نص قرآن مجید. آن هم به نقل جلال الدین سیوطی علامه بزرگ

دنیای عامه در کتاب تاریخ الخلفاء. آن وقت آقای ابن خلدون می گوید هارون نماز شبش ترک نمی شد. لابد جزء مستغفرین بالاسحار بوده. معلوم است وقتی که تاریخ تحت تأثیر این گونه تعصبا نوشته شود، هرگز آئینه و بازگوکننده وقایع نخواهد بود. ما وقتی به نظریات محققان و مورخان عامه مراجعه می کنیم، می توانیم مجموعه نظریات آنها را در چند دسته خلاصه کنیم. عده ای که البته تعدادشان انصاف می دهیم در میان مورخان و علمای اهل سنت بسیار کم است، اینها با دیدی نادرست به نهضت حسینی نگریسته اند و در نتیجه قیام امام حسین را تخطئه کرده اند. یکی همین آقای ابن خلدون و دیگری که در این زمینه تندتر از وی رفته قاضی ابوبکر ابن العربی است. البته می دانید وقتی که کلمه ابن العربی گفته می شود، ذهنها سراغ محی الدین عربی، آن عارف معروف می رود. ما دو تا ابن العربی داریم یکی صاحب کتاب العواصم و القواصم که همین عالم بسیار متعصب ضد شیعی است. به این می گویند ابن العربی، الف و لام می آورند برایش؛ یکی آن عارف معروف محی الدین صاحب کتاب فصوص، و فتوحات مکیه که به او می گویند ابن عربی، بدون الف و لام ابن العربی سخیفترین نظر را در مورد نهضت امام حسین (ع) بیان کرده است که خوشبختانه خود بزرگان اهل سنت بیشترین نقد را بر نظریات این مرد کرده اند. من اجمالی از نظریات ایشان را عرض می کنم. بعد نظر یکی از محققان مصر را هم برایتان عرض می کنم که ببینید خود اینها آمده اند و این نظریات را رد کرده اند؛ یعنی می خواهند بگویند که این جور نیست که دنیای اهل سنت این نظریات را بپذیرد. ابن العربی در کتاب

العواصم می گوید: اگر ما بخواهیم واقعا زمین را از لوٹ جنایات یزید پاک کنیم، باید بدانیم با ریختن خون امام حسین مصیبتی را ایجاد می کنیم که هیچ چیزی نمی تواند آن را جبران کند. البته در واقع می خواهد بگوید خون امام حسین خیلی عزیز و خیلی پاک است و این خون باید در عروق امام حسین بگردد و جهان اسلام از امام حسین (ع) استفاده کند. اما تحلیلش این است که می خواهد در واقع بگوید که نباید امام حسین برای اینکه جلوی جنایات یزید گرفته شود برود خودش را بریزد. مصیبت ریخته شدن خون امام حسین بالاتر از آن فجایع یزید است، اگر همین مقدار را گفته بود خوب یک مقداری انتقادات به او تخفیف پیدا می کرد. اما اینجا آمده دفاع کرده از کشتندگان و از قاتلان امام حسین و بدترین نوع دفاع را کرده است و می گوید که: و ما خرج احدا الا بالتأویل. می گوید هیچکس، خروج نکرد حسین و در مقابل حسین نایستاد مگر اینکه شناختش از اسلام و اجتهادش از دین این بود که باید؛ حسین مقابله کند؛ یعنی تمام کسانی که آمده اند مقابل سیدالشهدا اینها متأول بوده اند. کلمه تأویل در صدر اسلام کلمه ای نوعا معادل اجتهاد است. وقتی می خواستند بگویند مجتهد، می گفتند متأول. می گوید ما خرج احدا الا بالتأویل. کلمه تأویل را باید در نظر بگیریم تا این معنا روشن بشود. می گوید هر کس آمد تأویل کرد یعنی اجتهاد کرد. دید نباید حسین در مقابل یزید بایستد ولو یزید فاسد باشد، ولو یزید پلید است و لا قاتلوا الا بما سمعوا من جده المخبر بفساد الحال المخدر من الدخول فی الفتن. می گوید نیامد

کسی در مقابل امام حسین الا اینکه تأویل و نظر اجتهادیش این بود و نیامد کسی مگر به خاطر آن گفته هایی که از پیغمبر رسیده بود که وارد فتنه نشوید؛ یعنی با حکام ظلم مبارزه نکنید. مردم اینها را از پیغمبر شنیدند که آمده اند در مقابل امام حسین فرزند پیغمبر ایستادند و اقواله فی ذالک کثیره پیامبر در این باره مطالبی زیادی فرموده اند از جمله پیامبر فرموده اند: فمن اراد ان يفرق امر هذه الامه و هي جميع فاضربوه بالسيف كائنا من كان. می گوید خود پیامبر فرموده که بعد از من مسائلی پیش می آید یعنی حکام ظلم می آیند، جنایاتی پیش می آید سپس هر کس بخواهد امت متحد اسلام را به تفرقه بکشاند او را بکشید، هر کس که می خواهد باشد. ابن العربی در واقع می خواهد بگوید که امام حسین آمده در سایه نهضتش امت واحد اسلام و متحد اسلام را دچار تفرقه کند و مردم به حکم روایت خود پیغمبر، باید فرزند پیغمبر را می کشتند. این تقریباً سخیفترین نظریه ای است که یک عالم بزرگ به نام قاضی ابن العربی در این باره اظهار کرده است. آثقال حسین محمد یوسف، نویسنده معروف مصر صاحب کتاب سید شباب اهل الجنه الحسین بن علی در نقد این نظریه می گوید که: خطا القاضی ابن العربی فی حکمه. قاضی ابن العربی در این نظریه راه نادرست رفته است. بعد چند قسمت از سخنان او را نقد می کند و من شاهد اینجاست، چون این عبارت را خواندم، همین قسمت را می خواهم عرض بکنم. می گوید که ابن العربی می گوید کسانی که آمدند امام حسین را کشتند، اینها متأول بودند؟! اینها به استناد روایات خود پیغمبر

اکرم این کار را کردند؟ می گوید که این حرف آقای ابن العربی معنایش این است که ان الذین قاتلوا سید الشباب اهل الجنه و قتلوا و داسوا جده الشریف بسنابک الخیل کانوا من اهل العلم. باید خندید به این حرف ابن العربی. ابن العربی می خواهد بگوید کسانی که سید جوانان اهل بهشت را به شهادت رساندند و جسد شریف او را پایمال سم اسپان کردند، همه اهل علم بودند؟ اهل دانش بودند؟ اهل فضیلت بودند؟ الذین بلغوا مرتبه الاجتهاد، اینها به مرحله اجتهاد رسیده بودند حتی استطاعوا ان يتأولوا احادیث سید المرسلین بالتأویل الصحیح، اینها قدرت این را داشتند که بتوانند از احادیث پیامبر برداشت درستی بکنند و ابن العربی این را می گوید و حال اینکه بیشتر کسانی که در مقابل حسین بن علی آمدند و ایستادند، بیشتر از اراذل و اوباش بودند، انسانهای پستی بودند، افرادی که دنبال هر صدایی می دویدند، افرادی که به اندک چیزی دین خود را می فروختند. کسانی که آمدند مقابل سیدالشهدا ایستادند متأولین بودند؟! اینها اراذلی بودند که هیچ هدفی در زندگی نداشتند، تابع جو بودند، تابع غوغاها بودند. لیس فیهم صحابه جلیل می گوید در میان اینها یک صحابه جلیل پیدا نمی شود. خیلی بعید است در توصیف و تعریف عمر سعد که کسی بخواهد بگوید او اهل علم و اهل دین بوده، او عالم بوده، دیندار بوده. و انما کان جباراً جهولاً- لا- دین له این رئیس آنهایی که آمدند امام حسین را کشتند یک مرد جبار نادانی که نه دین داشت و نه ارزشهای اخلاقی در وجودش حاکم بود؛ بعد می گوید کبار القتله کانوا من السفهاء الجهال، بزرگان کسانی که

آمدند، امام حسین را کشتند، سران این مردم، تمام از نادانان جاهل بودند، نه عقل داشتند و نه دین. بعد می گوید آقای ابن العربی شما می گویید احادیث پیغمبر نشان می دهد که باید هر کس در مقابل جریانات بایستد هر کس که باشد باید او را کشت؛ محاربه الحسین محاربه الله و رسوله جنگ، با حسین جنگ با خداست، جنگ با حسین جنگ با رسول خداست. اینجا هم یک فصل مشبعی می آورد از تجلیلی که پیامبر اکرم (ص) از سیدالشهدا فرموده اند. بعد سؤال می کند آیا احادیث پیامبر می گوید حسین را بکشید؟! بعد حدیثی نقل می کند و می گوید آقای ابن العربی از این حدیث استفاده می شود که حسین را باید کشت؟! امام بخاری بزرگترین محدث دنیای عامه صاحب کتاب صحیح نقل می کند انس بن الحارث می گوید خودم از پیامبر شنیدم اشاره کرد به امام حسین فرمود این پسر حسین یقتل بارض یقال لها کربلا این پسر در سرزمینی کشته می شود که کربلا نامیده می شود فمن شهد ذالک منکم فلینصره هر کس که دید حسین در صحنه کربلا ایستاده باید برود و حسین را یاری کند. آیا پیامبر می گوید حسین را بکشید؟! قال فخرج انس بن الحارث الی کربلا راوی این حدیث بنا به نقل ابن ماجر عسقلانی در کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه که این حدیث را از پیغمبر شنیده بود همراه امام حسین آمد و با امام حسین در کربلا کشته شد. پس چطور اینها آمدند از آن روایات پیغمبر اینجور فهمیدند؟ پیغمبر که صریحا دستور دفاع از امام حسین و کشته شدن در راه امام حسین را می دهد آن هم به نقل از امام بخاری.

بعد آقای حسین محمد یوسف یک فصل دیگری باز می کند تحت عنوان: استنکار العلماء السلف لرأی ابن العربی «علماء سلف و دانشمندان بزرگ گذشته همه با رأی ابن العربی مخالفند» بعد اسم می آورد حافظ سخاوی او می گوید با این نظر با رأی ابن العربی مخالفند» بعد اسم می آورد حافظ سخاوی او می گوید با این نظر مخالف بود قول سخاوی را و اقوال دیگر را نقل می کند، سپس به نقد نظر ابن خلدون می پردازد و می گوید ابن خلدون هم آمده نظر ابن العربی را رد کرده، هر چند خود ابن خلدون متأسفانه باز در مقام اظهار نظر دچار خطای بزرگی شده است و آن وقت شروع می کند به حمله به ابن خلدون و می گوید: ان رأی الحسین بالخروج علی یزید، متعین من اجل فسقه، امام حسین عقیده اش این بود که یک راه بیشتر نیست و آن ایستادن در مقابل یزید است و راه دومی نیست. متعین، در مقابل یزید ایستادن است. این عقیده امام حسین بود، به این خاطر که یزید فاسق بود. و لا سیما من له قدره علی ذالک بخصوص اینکه کسی باید در مقابل یزیدی بایستد که این قدرت را هم دارد. بعضی دیگر از نویسندگان و مورخان اهل سنت مانند شیخ محمد خضری هستند که در مسأله نهضت امام حسین متعصبانه سخن گفته اند. در کنار اینها هم محققان و مورخان اهل سنت، نظریات بسیار ارجمند و ارزشمندی نقل کرده اند. یک نظر دیگری هم در مقام دفاع از امام حسین گفته شده ولی فکر نمی کنم با روح نهضت امام حسین سازگار باشد. عده ای معتقدند علت اینکه امام حسین به کوفه رفت و مکه را رها کرد این بود که

دید اگر در مدینه بماند فرماندار بالاخره یا بر بیعت مجبورش می کند یا او را می کشد پس جایی برای ماندن امام در مدینه نبود. فخرج منها خائفا یتربأ آمد مکه. در مکه هم یزید، اعوان و انصاری را مخفیانه فرستاده بود که امام حسین را در هر حالی که بتوانند پیدا کنند و به شهادت برسانند. امام حسین دیدند مکه هم جای امنی برای ایشان نیست. دیدند شیعیان پدرشان در کوفه هستند. گفتند پس من برای اینکه به دست یزید کشته نشوم می روم در میان شیعیان کوفه. منتهی شیعیان کوفه پستی کردند، رذالت کردند و با یزید همدستی کردند و به جای اینکه امام را در قلب خودشان جای بدهند، امام را کشتند و اینگونه از قضیه می گذرند که امام حسین برای فرار از شهادت آمد، هر چند قاتلان امام حسین را بشدت تقبیح می کنند و این با روح نهضت امام حسین ناسازگار است. این سر بریده امام حسین این آیه شریفه را تلاوت می کند «ام حسب ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من اياتنا عجباً» معذرت می خواهم این را، اینجا در این سمینار استادان بزرگوار هم حضور دارند و یکی از مورخان بزرگ اسلام هم در اینجا تشریف دارند و من هم از حضور ایشان خیلی خوشحالم. اینجا یک جمله ای می خواهم عرض بکنم، داخل پرانتز، ربطی هم به بحث ندارد، اما حیفم می آید که نگویم. گاهی بعضی می آیند و می گویند آقا این سر بریده امام حسین کجا قرآن خوانده است، این را منابع صحیح ننوشته اند، این را نقلش نکنید. این را اتفاقاً علاوه بر منابع شیعه منابع سنی هم نقل کرده اند. کتاب خصائص الکبری از

جلال الدین سیوطی همین جریان قرآن خواندن سر بریده را به سند معتبر نقل کرده است. پس این مسأله از چیزهایی نیست که کسی بخواهد انکارش بکند. حالا وارد این بحث نمی شوم این را برای بحث خودم گفتم. سر بریده سیدالشهدا این آیه را تلاوت می کند: ام حسب ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من اياتنا عجا حال بفرماید چه تناسبی دارد که این قضیه و این آیه؟ من فکر نمی کنم آیه ای مناسبتر از این آیه باشد، امام حسین (ع) مناسبترین آیه را قرائت فرموده و یکی از نشانه های حقانیت این قضیه همین آیه است. اگر می گفتند امام حسین (ع) آیه «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون» تلاوت کرده ممکن بود بگوییم که یک کسی آمده شرایط را این گونه دیده، آمده این را جعل کرده. خود این آیه نشان می دهد که باید سر بریده این آیه را خوانده باشد. «ام حسب ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من آیاتنا عجا» جوانان اصحاب کهف به قول معروف، دقیانوس پادشاه شهر افسوس اینها را خواست. چون این پادشاه آیین مسیحیت یورش آورده بود. تمام کلیساها را به بتکده تبدیل کرده بود. تمام مردم را هم در برابر بت به خضوع و بندگی کشانده بود. این چند نفر جوان زیربار نرفته بودند. اینها را خواست و گفت یک شب به شما مهلت می دهم. فردا یا مرگ را قبول می کنید یا بت پرستی را. رفتند فکر کردند. گفتند ما هرگز بت پرستی را که پیش نمی گیریم، پس چه کنیم، اگر بمانیم کشته می شویم. پس شهر را رها می کنیم که فردا به دست دقیانوس

کشته نشویم. می رویم طرف کوه و به غار پناه می بریم. «انهم قتیة امنوا بر بهم و زدناهم هدی و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات و الارض لن ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططا» اینها آمدند و مصمم و محکم برای حفظ دینشان شهر ظالم را رها کردند و به غار رفتند که کشته نشوند. پس «ام حسب ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من اياتنا عجا» خیال کردید این داستان عجیب است؟ نه، داستان کربلا عجیب است؛ اینها شهر ظالم را رها کردند که به دست ظالم گرفتار نشوند، اما ما مدینه و مکه را رها کردیم و رفتیم به سوی شهر ظالم، ما رفتیم برای اینکه با ظالم بستیزیم. حرکت امام حسین یک حرکت تهاجمی بود، نه یک حرکت دفاعی. هیچ ارتباطی این حرکت به درخواست بیعت یزید ندارد. ممکن است بگوییم، بیعت این قیام و این تهاجم را تسریع کرده باشد. حرکت امام تهاجمی است من رأی سلطانا جائرا یعمل فی العباد بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حق علی الله ان یدخله مدخله. امام مغیر است، استناد خود امام بر این روایت پیامبر بود، امام برای دگرگون کردن اوضاع آمده و یک حرکت تهاجمی آغاز کرده است. آقای محمد حسین یوسف آیا امام حسین (ع) برای اینکه دید اگر مدینه بماند کشته می شود و مکه هم بماند کشته می شود به کوفه رفت؟ پس این همه سخنانی که امام حسین از شهادت می فرمود چه بود؟ مگر انسان می تواند چشمش را بر روی همه حقایق تاریخ ببندد. امام حسین (ع) هنگام حرکت چه فرمود.

الا و من كان باذلا مهجته فينا و موطننا نفسه للقاء الله فليرحل معنا فاني راحل مصيحا ان شاء الله تعالى. می گوید برادران و یاران من هر کس که آماده فداکاری است، می خواهد خون قلبش در راه خدا ریخته شود و نفسش را آماده کرده برای چشیدن طعم مرگ، او با من بیاید. آیا امام حسین (ع) رفت مکه که کشته نشود؟ ما از این بعد که اینها حرکت یزید را تقبیح می کنند آنها را تقدیس می کنیم. این گروه نگفتند قاتلان امام حسین (ع) بر اساس اجتهادشان امام حسین را کشتند. اما از این طرف نتوانستند به واقعیت نهضت امام حسین (ع) برسند. اما بعضی هایشان رسیدند مثل عباس محمود عقاد در کتاب ابوالشهادا الحسين بن علي. البته نمی خواهم بگویم این کتاب خالی از نظریات انتقادی است؛ باید چند جایش نقد بشود. اما انصاف این است که بسیار زیبا تحلیل کرده است و می گوید امام حسین در برابر یک فرد فاسقی قرار گرفته بود که هیچ ارزشی از ارزشهای اخلاقی در وجود او حاکم نبود. هیچ خیری در وجود او نبود. تمام خطوط چهره یزید را پلیدی، فساد، شرابخواری و امثال اینها تشکیل می داد. امام حسین (ع) یا باید در برابر این شخص سکوت بکند و یا در برابر او قیام بکند. سکوت جایز نیست، چون سکوت تأیید یزید است. باید امام علیه برج و باروی این نظام پلید یزیدی برآشوبد و برشورد و این نظام را دگرگون بکند. بعد عقاد تعبیرات عاشقانه و زیبایی در مورد امام حسین (ع) می کند. می گوید شما خیال می کنید که امام حسین (ع) شکست خورد، نه، امام حسین (ع) پیروز شد.

مزارش را ببیند، مشاهدش را ببیند. فهی الیوم مزار یطاف به المسلمون، مزار امام حسین کعبه است که عاشقان و آرزومندان اطراف این مزار، مثل کعبه می گردند و طوافش می کنند. و من حقه این یطوف به کل انسان نه هر مسلمانی بلکه هر انسانی شایسته است که اطراف کعبه مزار حسین برود طواف کند، اطراف آن کعبه بگردد. می گوید آسمان سایه نیفکند بر سرزمینی که مقدستر باشد از این سرزمینی که حسین در این سرزمین کشته شد. زیباترین نقطه ای که خورشید بر آن می تابد. این جایگاهی است که پیکرهای شریف حسین (ع) و سایر شهدا و یاروان حسین در آنجا قرار دارد. آخرین جمله ام در اینجا قول آقای عبدالله علائی، از محققان و لغت شناسان و مورخان دقیق دنیای اهل سنت است. کتابی راجع به حضرت خدیجه نوشته چقدر زیبا. کتابی درباره تاریخ امام حسین (ع) دارد که سه جلد است در یک جلد. اصلا اسم کتاب را ببینید، یکی از این سه جزوه اسمش این است سمو المعنی فی سمو الذات. اینقدر ادیبانه نوشته است. واقعا باور بفرمایید یک صفحه اش را آدم بخواند بخواند ده بار باید به کتاب لغت مراجعه بکند. این قدر زیبا، اینقدر عالی، خلاصه حرفش این است، در یک جا می گوید: دو هجرت در تاریخ اسلام واقع شد، یکی هجرت پیغمبر (ص). این هجرت نتیجه اش چی بود؟ هدف هجرت پیغمبر احداث البناء بود، ساختمان اسلام را ایجاد نمود دومین هجرت، هجرت حسین بن علی (ع) بود. این هجرت، غایتش المحافظه علی البناء بود؛ یعنی امام حسین (ع) برای اینکه از ساختمانی که پیغمبر آن را تأسیس کرده بود، نگهداری کند، قیام

فرمود. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

